



A Survey of Sunni and Shi'ite Commentators' Views about the Chronological Order of the Qur'anic Chapters - Toqifi or Ijtihadi

Muhammad Ali Akhaviyan* | Rahman Zare**

Received: 2019-05-31 | Accepted: 2020-02-19

Abstract

The Qur'anic scholars and researchers have always paid special attention to the relevance and harmony of the chapters in the *Qur'an* and whether their chronological order is based on revelation (Toqifi) or the independent reasoning (Ijtihadi). There are various views in this regard; some commentators such as Seyed Murtaza and Ayatollah Khoyi believe that the current chronological order of the Qur'anic chapters is based on the arrangement received at the time of Holy Prophet (PBUH) but many other researchers hold that this chronological order is based on the arrangement of the Prophet's companions. In this regard, some commentators believe that with regard to numerous evidence for the first view, they cannot admit the second one as an absolute viewpoint. Therefore, they adopt a classification approach and based on the existing documents, they say that the chronological sequence of most of the Qur'anic chapters is based on revelation while some limited ones based on the reasoning of the Prophet's companions. The present study aims to analyze the perspective of those scholars who believe the chronological order of the chapters is based on revelation and it goes beyond the conducted research up to now to critically analyzes the viewpoints in this regard. This article attempts to introduce those scholars who attribute the chronological order of the Qur'anic chapters to revelation. Accurate research on the ideas of this group of scholars is significant as it can pave the way for the further research of those who seek the truth. Hope this research article can take a step towards the clarification of truths embedded in the Qur'anic science.



Keywords

Toqifi (Based on Revelation), Ijtihadi (Based on Reasoning), Chronological Order of Qur'anic Chapters, Proportion of the Qur'anic Chapters, Commentators.

* Associate Professor, University of Qom; (Corresponding Author) | ma_akhaviyan@yahoo.com

** Ph.D. Student in the Qur'anic Science and Hadith, University of Qom | Zare1397@gmail.com

■ Akhaviyan, M.A; Zare, R. (2020) A Survey of Sunni and Shi'ite Commentators' Views about the Chronological Order of the Qur'anic Chapters - Toqifi or Ijtihadi. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 6 (11) 43-66. Doi: 10.22091/ptt.2020.5072.1680





بررسی دیدگاه مفسران فریقین پیرامون توقیفی یا اجتهادی بودن چینش سور

محمدعلی اخویان* | رحمان زارع**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

چکیده

دانشوران و محققان علوم قرآنی از دیرباز به موضوع ارتباط و تناسب سوره‌های قرآن که به دنبال مسئله توقیفی بودن یا نبودن ترتیب سور مطرح می‌شود توجه داشته‌اند و درباره آن نظریات متعددی مطرح نموده‌اند، برخی همچون سید مرتضی و آیت‌الله خویی معتقدند که ترتیب سوره‌های قرآن به شکل فعلی در زمان رسول خدا(ص) تحقق یافته ولی اکثر محققان برآنند که این ترتیب در زمان صحابه سامان یافته است. در این میان برخی براین باورند که با توجه به شواهد فراوان بر قول اول نمی‌توان دیدگاه دوم را به طور مطلق پذیرفت، از این روی قائل به تفصیل شده و با توجه به اسناد موجود، ترتیب اکثر سوره‌ها را توقیفی و تعداد محدودی را به اجتهاد صحابه دانسته‌اند. نوشتار حاضر در پی بررسی و تحلیل دیدگاه دانشمندانی است که معتقد به توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن هستند. این پژوهش فراتر از آثاری که تاکنون به تحلیل این مسئله همت گمارده‌اند، به بررسی و نقد دلایل و دیدگاه معتقدان به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها پرداخته و کوشیده است تا در حد توان به معرفی قرآن پژوهان معتقد به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها پردازد و نشان دهد که پژوهش و موشکافی دیدگاه‌های این گروه از دانشمندان از آن رو حائز اهمیت است که می‌تواند راه را برای محققان جویای حقیقت بگشاید. امید آنکه این نوشتار بتواند قدمی هرچند کوتاه در تبیین حقایق علوم قرآن بردارد.



کلیدواژه‌ها

توقیفی، اجتهادی، ترتیب سوره‌ها، تناسب سوره‌ها، مفسران.

* دانشیار دانشگاه قم (نویسنده مسئول) | ma_akhaviyan@yahoo.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه قم | Zare1397@gmail.com

□ اخویان، م.ع؛ زارع، ر. (۱۳۹۹). بررسی دیدگاه مفسران فریقین پیرامون توقیفی یا اجتهادی بودن چینش سور، دوفصل‌نامه

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۶ (۱۱)، ۴۳-۶۶. Doi: 10.22091/ptt.2020.5072.1680



مقدمه

از سده‌های اول تاریخ اسلام تاکنون میان مفسران و دانشمندان علوم قرآنی اعم از شیعه و سنی این بحث مطرح بوده که آیا چینش سوره‌های قرآن توقیفی است و در زمان رسول‌الله (ص) انجام شده و یا بعد از رحلت پیامبر خاتم (ص) و به دست صحابه ایشان مرتب گردیده است؛ از آن روی که یکی از جلوه‌های تناسب و ارتباط در ساختار قرآن کریم، مناسبت‌های موجود میان سوره‌های آن است. این موضوع از سوی بسیاری از مفسران و پژوهشگران علوم قرآن بررسی و پیگیری شده و حجمی از تفاسیر و کتاب‌های علوم قرآن را به خود اختصاص داده است. در این میان، تفاسیری مانند مجمع‌البیان، تفسیر کبیر فخر رازی، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، المنار، تفسیر مراغی، الأساس فی التفسیر و شماری دیگر، از روابط میان سوره‌ها سخن گفته‌اند. آنچه موجب شده این اختلاف دیدگاه از دیرباز وجود داشته باشد و همچنان به‌عنوان بحثی مطرح در مجامع علمی مدنظر علمای تاریخ قرآن و علوم قرآن قرار گیرد این است که ترتیب فعلی سوره‌های قرآن قطعاً با ترتیب نزول آنها منطبق نیست؛ بنابراین، این سؤال وجود دارد که آیا صحابه به ذوق و سلیقه خود اقدام به چینش سوره‌ها نموده‌اند یا این کار طبق دستور پیامبر اکرم (ص) تحقق یافته است.

نتایج مهمی بر بحث مذکور مترتب می‌شود که به‌عنوان نمونه می‌توان به این بحث اشاره نمود که در صورت اثبات توقیفی بودن چینش سوره‌های قرآن، می‌توان سیاق آیات انتهایی سوره‌ها با آیات ابتدایی سوره بعد را سیاقی واحد دانست و بر این مبنا، از نوعی وحدت سیاق در فهم و تفسیر آیات ابتدایی و انتهایی سوره‌های قرآن بهره‌مند شد. جهت‌گیری نوشتار حاضر این است که دیدگاه‌های موجود در این مسئله را بررسی نموده و با واکاوی دلایل هر کدام به نتایج روشنی رسیده و شاید قدمی هرچند کوتاه در فهم بهتر قرآن کریم بردارد. مقصود از توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها در این مقاله آن است که ترتیب سوره‌های قرآن به دست پیامبر (ص) صورت پذیرفته باشد؛ در این صورت تفاوتی نخواهد داشت که این امر به اجتهاد شخص پیامبر (ص) صورت گرفته یا به امر مستقیم خداوند تحقق یافته باشد.

دیدگاه‌ها

با بررسی دیدگاه دانشمندان شیعه و اهل سنت درمی‌یابیم که قول به توقیفی بودن یا اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها در میان هر دو گروه وجود دارد و در این باره سه نظریه موجود است.

۱. ترتیب همه سوره‌های قرآن اجتهادی است.

۲. ترتیب همه سوره‌های قرآن توقیفی است.

۳. قول به تفصیل؛ یعنی قول به توقیفی بودن ترتیب اکثر سوره‌ها و اجتهادی بودن تعدادی از آنها. (قول مختار)

قول نخست: اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها

مشهور در میان دانشمندان شیعه و سنی، پذیرش قول اول، یعنی اجتهادی بودن ترتیب سوره‌هاست. در این رابطه صراحت سخنان بسیاری از علما و پذیرفتن روایات جمع قرآن در عهد خلفاء و یا سکوت در باب اجتهادی بودن ترتیب، شاهد بر این مدعاست.

از میان متقدمان، افراد سرشناسی مانند امام مالک بن انس (م ۱۷۹)، رئیس مذهب مالکیه (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۴)، ابوبکر طیب (ابن عطیة، بی تا، ج ۱، ص ۴۹)، مکی بن ابی طالب (م ۴۳۷ق) (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۳)، عبدالسلام (عبدالسلام، بی تا، ص ۲۷) و ابوالحسن احمد بن فارس قزوینی، صاحب کتاب مقایس اللغه (م ۳۹۵) در کتاب المسائل الخمس (الزرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۶)، بر اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها تصریح کرده‌اند.

از جمله علمای پیشین شیعه که با این نظریه همراه بوده‌اند محدث نوری در فصل الخطاب است (نوری، ۱۲۹۸ق، ص ۱۳۳) و در بین علمای معاصر شیعه، از کسانی که بر این موضوع تصریح کرده‌اند جناب آقای سید جعفر مرتضی عاملی (مرتضی عاملی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۶) و استاد محمدهادی معرفت در التمهید فی علوم القرآن می‌باشند (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۸۵).

آیت‌الله معرفت (ره) می‌نویسد: «هیچ تناسب معنوی میان سوره‌ها با یکدیگر وجود ندارد و هرگز ترتیب موجود بین سوره‌ها توقیفی نیست، بلکه این کار به دست صحابه از روی

برخی مناسبت‌ها - مثلاً بزرگی و کوچکی سوره‌ها و از این قبیل - انجام گرفته است.» (معرفت، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۱۲). علامه طباطبایی (ره) نیز در این باره می‌نویسند: «ترتیب سوره‌های قرآنی در جمع اول، کار اصحاب بوده و همچنین در جمع دوم» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲، ص ۱۸۳). ایشان در ادامه قول به توقیفی بودن نظم سوره‌ها را به شدت مردود می‌دانند و می‌نویسند: «در مقابل این قول که ما اختیار کردیم، قول بسیاری از مفسران است که گفته‌اند: ترتیب سوره‌های قرآن توقیفی و به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده و آن جناب به اشاره جبرئیل و به امر خدای تعالی دستور داده تا سوره‌های قرآنی را به این ترتیب بنویسند. حتی بعضی از ایشان آن قدر افراط کرده که در ثبوت این مطلب ادعای تواتر نموده‌اند. ما نمی‌دانیم، این اخبار متواتر کجاست که به چشم ما نمی‌خورد. روایات این باب همان بود که ما عمده آن را نقل کردیم و در آنها اثری از این حرف‌ها نبود.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲، ص ۱۸۴). علی کورانی نیز در کتاب تدوین القرآن صفحه ۳۴۲ بعضی روایات اجتهادی بودن ترتیب سور از اهل سنت نقل کرده است.

قول دوم: توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها

برخی از دانشمندان علوم قرآنی قائل به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها شده‌اند که می‌توان در میان متقدمان از حارث بن اسد محاسبی (م ۲۴۳) (زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۳۳) و ابوبکر ابن‌انباری (م ۳۲۸) (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۱۷) و ابوبکر محمد بن عبدالله معروف به ابن‌اشته اصفهانی (م ۳۶۰) و سید مرتضی علم‌الهدی (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۵) و ابن‌الحصار (م ۶۱۱) (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۱۵) و حاکم جشمی (م ۴۹۴) (زرزور، بی‌تا، ص ۴۱۷) و بقاعی (بقاعی، ۱۴۱۵، بی‌تا، ج ۱، ص ۵) اشاره کرد.

از میان علمای متأخر شیعه، از ظاهر کلام آیت‌الله خوئی (م ۱۴۱۲ ق) در مقدمه‌البيان (خوئی، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۳۹-۲۵۹) می‌توان به این مطلب دست یافت که ایشان معتقد است که کار گردآوری قرآن در عهد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) انجام گرفته است.

از دیگر علمای متأخر می‌توان به عبدالکریم بی‌آزار شیرازی (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴۷)، آیت‌الله نهانندی، صاحب تفسیر نفحات الرحمان (م ۱۳۷۰) (نهانندی، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۴۵)، علامه مرتضی عسکری (معاصر) (عسکری، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۲۱۳)،

محمدحسین علی الصغیر (معاصر) (علی الصغیر، ۱۴۲۰ق، ص ۸۵)، علی کورانی (کورانی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۵۴) و بسیاری دیگر از محققان که شمارش نام یک یک آنها میسور نیست.

ادله توقیفی بودن ترتیب همه سوره‌ها

قائلان به توقیفی بودن برای ادعای خود دلایلی آورده‌اند که در اینجا به اهم ادله ایشان اشاره می‌شود.

۱. اجماع اصحاب بر مصحف عثمان

اصحاب پیامبر (ص) بر پذیرش مصحفی که در زمان عثمان نوشته شد اجماع کردند. این تنها در صورتی ممکن است که نظم و ترتیب مورد توافق ایشان در سوره‌ها ناشی از توقیفی بودن باشد. زیرا اگر نظم و ترتیب مصحف عثمان ناشی از اجتهاد بود، می‌باید صاحبان مصاحف مختلف بر مخالفت خود پای می‌فشرده‌اند. آنان نه تنها از نظم موجود در مصاحف خود منصرف شدند، بلکه از مصاحف خویش نیز دست کشیدند (زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۷).

بررسی

اجماعی که این نظریه بدان استناد می‌کنند بر توقیفی بودن نظم تمامی سوره‌ها دلالت ندارد، زیرا اجماع در ترتیب همه سوره‌ها مستند به نص پیامبر (ص) نیست، بلکه صرفاً برای جلوگیری از تفرقه و اختلاف در امت اسلام بر ترتیب سوره‌ها مطابق مصحف عثمان اجماع کردند.

۲. ختم و تدریس قرآن در عهد پیامبر (ص)

از آنجا که ختم قرآن و آموزش قرآن به ناچار از جایی شروع شده و در نهایت در جایی دیگر به پایان می‌رسد، معلوم می‌شود که در زمان رسول خدا قرآن آغاز و فرجامی مشخص داشته که طبیعتاً این ترتیب توسط رسول خدا صورت پذیرفته است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۱)؛ بنابراین با تغییر ترتیب سوره‌ها و جابجایی آنها نظم قرآن به ریخته و از بین می‌رود (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۲۹).

بررسی

دلیل اعم از مدعاست زیرا مقدمات نمی‌توانند به صورت قطعی مدعا را اثبات کنند،

از این جهت که قرائت و آموزش قرآن در زمان حیات نبی مکرم اسلام به همان صورتی بوده که در قرون بعد ادامه یافته است. در رابطه با ختم قرآن نیز باید به این مسئله توجه داشت که در زمان حیات رسول خدا به صورت دائمی انتظار نزول آیات وجود داشت، بنابراین ختم قرآن را تنها باید منحصر به سوره‌هایی بدانیم که تا آن زمان بر پیامبر (ص) نازل شده است، از این رو اگرچه ممکن است این دلیل، توقیفی بودن ترتیب برخی از سوره‌ها را اثبات نماید اما نمی‌تواند توقیفی بودن تمام سوره‌ها را اثبات کند.

۳. عرضه قرآن از سوی پیامبر (ص) بر جبرائیل

در تمامی سال‌های بعد از بعثت نبی مکرم اسلام، پیامبر (ص) قرآن را هر سال یک مرتبه بر جبرائیل عرضه می‌کردند و در سال حجة الوداع این مسئله دو مرتبه اتفاق افتاد (همان).

بررسی

اگرچه عرضه قرآن بارها در روایات آمده (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۲) اما هیچ‌گاه در روایات، مسئله ترتیب سوره‌های قرآن و کیفیت عرضه بر جبرائیل و لزوم پیروی و تبعیت مردم از آن مطرح نشده است؛ مسئله دیگر آنکه حتی در صورتی که رسول خدا ترتیب خاصی را مراعات می‌کردند، تا زمانی که دستور الزامی در این رابطه از جانب خدا یا رسول خدا صادر نشود باز هم پیروی کردن از ترتیب مذکور ضروری و واجب نیست و دلیلی نیز وجود ندارد که بتوان وجهی از وجوه اعجاز قرآن را به نوع چینش سوره‌ها نسبت داد.

۴. حالت خاص حاکم بر چینش سوره‌ها

اگر ترتیب سوره‌های قرآن به خاطر وجود حکمتی، توقیفی نبود، بی‌گمان می‌بایست «مسیحات» پشت سر هم می‌آمدند، یعنی «طس» پس از «قصص» ذکر می‌شد و «مطففین» قبل از «انفطار» یا بعد از «انشقاق» قرار می‌گرفت و میان سوره‌های دارنده «الر» نیز فاصله می‌افتاد (سیوطی، ۱۴۰۶ق، ص ۶۰)؛ در حالی که از باب نمونه می‌توان به توالی «حوامیم» و سوره‌هایی که با «الر» شروع می‌شوند، جدایی میان «مسیحات»، قرار گرفتن سوره «طس» میان دو سوره «طسم شعراء» و «طسم القصص» و همچنین فاصله شدن سوره «المطففین» در بین دو سوره «الانفطار» و «الانشقاق» اشاره نمود.

بررسی

این دلیل عدم وجود ملاک مشخص در ترتیب موجود در سوره‌ها را، نشان از توقیفی بودن ترتیب آنها می‌داند، اما روشن است که این دلیل نیز مدعا را ثابت نمی‌کند زیرا هیچ ارتباط منطقی میان مقدمه و نتیجه وجود ندارد. سیوطی بعد از آوردن این دلیل، اختلافات موجود در مصحف ابی‌بن کعب و ابن مسعود را با نظر خود ناسازگار دیده و اینگونه پاسخ می‌دهد: «بسیار اتفاق می‌افتاد که در قرآن، نسخ، موجب می‌شد که شکل، سوره‌ها و آیات آن تغییر کند. بنابراین، ممکن است ترتیب مصحف عثمانی بر طبق توقیفی باشد که در نهایت در آخرین عرضه قرآن بر جبرائیل، صورت گرفته است. به‌رغم این مسئله، خبر آخرین نسخ (که این بار شکل و ترتیب قرآن را هم شامل شده بود) به ابی‌بن کعب و ابن مسعود داده نشد.» (سیوطی، ۱۴۰۶ق، ص ۶۰).

۵. ادله روایی

روایات متعددی وجود دارد که یا به صراحت و یا به صورت ضمنی بر توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها دلالت می‌کند. در اینجا به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم.

۱. حدیث پیامبر (ص)

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «سوره‌های طولانی را به جای تورات، و سوره‌های صد آیه‌ای را به جای انجیل، و سوره‌ها کمتر از صد آیه را به جای زبور، به من اعطاء کردند و علاوه بر اینها خداوند با دادن سوره‌های مفصل (کلمه «مفصل» نه در مقابل «مجمّل» بلکه به معنای «فصل، فصل» است؛ یعنی سوره‌های کوتاهی که زود به فصل بسم الله الرحمن الرحیم می‌رسند.) که ۶۸ سوره است مرا برتری داد؛ و قرآن، مهیمن بر سایر کتب (تورات، انجیل و زبور) است.» (الکافی، ج ۲، ص ۶۰۱).

اگر در این روایت دقت شود می‌بینیم که این نظم سوره‌ها در روایت، عین نظم سوره‌ها در قرآنی است که در دسترس ما است؛ ابتدا سوره‌های طولانی، بعد سوره‌های صد آیه‌ای، سپس سوره‌های کمتر از صد آیه، و بعد سوره‌های کوتاه. بنا بر مفاد این روایت، قرآن کریم در عهد پیامبر اکرم (ص) به همین ترتیب یک مجموعه بوده است. کسانی از اهل سنت همچون ابوجعفر نحاس نیز با طرق خود این حدیث را آورده‌اند و در توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها به آن استدلال کرده‌اند (قدوری الحمد، ۱۴۲۳ق، ص ۷۵).

بررسی

با این گروه از روایات نمی‌توان توقیفی بودن تمام سوره‌های قرآن را اثبات نمود و نهایت چیزی که بتوان اثبات کند، توقیفی بودن برخی از سوره‌های قرآن است.

۲. حدیث ابی بن کعب

در روایتی از ابی ابن کعب آمده که پیامبر(ص) وی را احضار کرده و فرموده که جبرئیل مرا مأمور ساخت تا قرآن را بر تو قرائت نمایم. در ادامه، ابی ابن کعب درخواست می‌کند که پیامبر(ص) ایشان را از ثواب و پاداش سوره‌های قرآن خیر دهد که پیامبر نیز به بیان ثواب سوره‌های قرآن می‌پردازد و از سوره حمد شروع کرده و به ترتیب ادامه داده تا به سوره ناس ختم می‌گردد (مؤلف گمنام و ابن عطیه، ۱۹۵۴م، ص ۶۷ و ۶۶) در این روایت، تمامی سوره‌های قرآن از ابتدا تا انتها آمده و برای هر یک از سوره‌های قرآن ثوابی ذکر شده است (شریعتی، ۱۳۴۶ش، ص ۲۰)، بنابراین به روشنی می‌فهماند که قرآن کریم قبل از رحلت پیامبر اکرم(ص)، بر ترتیب فعلی و طبعاً با اشارات وحی، مرتب شده‌اند.

بررسی

قائلین به اجتهادی بودن سوره‌ها، سلسله اسناد این روایت را ضعیف می‌دانند و می‌گویند با اندکی توجه روشن می‌شود که برخی از روایانی که در زنجیره سند این روایت واقع شده‌اند، آن را از حجیت و اعتبار انداخته‌اند (خویی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۸ و ۲۹).

۳. حدیث زید بن ثابت

زید بن ثابت از جمع‌آوری قرآن در زمان پیامبر(ص) سخن گفته است (صبحی، ۱۳۶۸ش، ص ۷۰)؛ در این حدیث می‌خوانیم: «کتنا عند رسول الله نؤلف القرآن من الرقاع» (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۷)؛ دکتر صبحی صالح، بدون ارائه هیچ‌گونه شهادی بر سخن یاد شده، نتیجه می‌گیرد که سخن زید بدین معناست، و توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها را می‌رساند.

بررسی

راغب اصفهانی می‌نویسد: تألیف عبارت است از «جمع اجزای پراکنده و ترتیب آنها به

شکلی که هر جزء در جای حقیقی خود قرار گیرد» (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۲۱)، بنابراین منظور زید، گزارش واقعیتی بوده است که از جریان چگونگی تنظیم آیات و سوره‌ها پرده برمی‌دارد. اگر چه برخی در نقد این روایت قائل‌اند که دلیل اخص از مدعاست و مطلبی که از سخن زید برداشت می‌شود، توقیفی بودن ترتیب آیات در بستر سوره‌ها را می‌رساند که به دستور پیامبر اکرم (ص) انجام شده است و نمی‌تواند ادعای توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها را ثابت نماید. اما آنچه به نظر می‌رسد این است که روایت عام است و شامل ترتیب آیات و سوره‌ها می‌شود، از این روی این روایت قابل تأمل بیشتر است.

۴. تعیین حزب‌های قرآن

از جمله این روایات خبری است که امام احمد بن حنبل و ابوداؤد از حدیثه ثقفی نقل کرده‌اند که گفت: «من یکی از اعضای هیات ثقیف بودم که ایمان آوردند...» تا آنجا که می‌گوید: «رسول خدا (ص) به ما فرمود: هم‌اکنون حزبی از قرآن به خاطر آوردم، تصمیم گرفتم تا زمانی که آن را به پایان نرساندم از خانه خارج نشوم. از اصحاب رسول خدا پرسیدیم: چگونه قرآن را به حزب تقسیم می‌کنید؟ گفتند: به این ترتیب که سه سوره قرآن را یک حزب و پنج سوره، هفت سوره، نه سوره، یازده سوره، سیزده سوره بعد را هر یک حزب قرار می‌دهیم و سوره‌های مفصل را از سوره ق تا پایان قرآن نیز یک حزب به شمار می‌آوریم.» (ابی داؤد، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۰ / ابن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۹ و ۳۴۲). به عقیده طرفداران توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها، خبر مذکور دلالت می‌کند که ترتیب سوره‌های قرآن در زمان رسول خدا (ص) همان است که ما اکنون در قرآن ملاحظه می‌کنیم. اما آنچه به نظر می‌رسد این است که چنین دلالتی چندان ظاهر و آشکار نیست و تنها می‌توان ظهور حدیث را در مورد ترتیب سوره‌های حزب مفصل پذیرفت، و شمول آن به تمام قرآن، ادعایی بیش نخواهد بود.

نمونه‌هایی از ارتباط سیاقی میان سوره‌ها

افزون بر پیوند کلی که در مضمون دو سوره ممکن است وجود داشته باشد گاه آغاز یک سوره با پایان سوره پیشین همانندی دارد و همسانی محتوایی، دو سوره را به هم مرتبط می‌کند، که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱. انتهای سوره حمد را می‌توان اشاره کرد که: «اهدنا الصراط المستقیم» با آغاز سوره بقره «ألم * ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين» پیوند معنایی دارد، به این صورت که گویا ابتدای سوره بقره به پرسشی که در انتهای سوره حمد مطرح شده است پاسخ داده است و آن راه مستقیمی که در سوره حمد درخواست کرده بودید همان مسیری است که این قرآن جلوی روی شما قرار داده است.

۲. عبارتی که در آیه ماقبل آخر سوره «حج» وجود دارد: «و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون» این جمله در سوره «مؤمنون» که سوره بعد از آن است مطرح می‌شود و ویژگی‌های منحصر به فرد مؤمنین که موجب سعادت و رستگاری آنها می‌شود را بیان کرده است: «قد أفلح المؤمنون * الذين هم في صلاتهم خاشعون...».

۳. سوره «جاثیه» با مباحثی از توحید و ربوبیت خداوند به انتهای خود می‌رسد با این عبارات که: «وله الكبرياء في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم» سپس سوره احقاف مجدداً با همین موضوع شروع شده و می‌فرماید: «تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم».

۴. سوره «فیل» و «قریش» نیز از سوره‌هایی است که ارتباطی وثیق و محتوایی دارند تا جایی که این دو سوره در نماز به‌عنوان یک سوره محسوب شده و نماز گزار هر گاه خواست در نماز به‌عنوان سوره بخواند، باید هر دو را قرائت نماید. وجه تعلیلی که در ابتدای سوره قریش با عبارت «لایلاف قریش * ایلافهم رحلة الشتاء و الصيف» آمده است مربوط به سوره «فیل» است، یعنی فرجام آن عذابی که خداوند بر سر «اصحاب فیل» آورده است که فرمود: «فجعلهم كحصف مأكول»، الفت دادن و امنیت بخشی به سفرهای تجاری قبیله قریش بوده است. به گفته اخفش، اتصال آغاز سوره قریش با سوره فیل از باب «فالتقطه آل فرعون لیکون لهم عدواً و حزناً» (قصص: ۸) می‌باشد؛ یعنی این لام، لام عاقبت است و متعلق به سوره گذشته می‌باشد. (الزرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۸ / سیوطی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۷). البته تفسیر دیگری نیز وجود دارد که این لام را متعلق به آیات خود همین سوره می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۴۲۱ و ۴۲۲).

توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها نزد شیعه

۱. سید مرتضی علم الهدی

سید مرتضی علم الهدی از مفسران عالیقدر شیعه و بسیاری از محققان دیگر، بر آنند که

قرآن همچنان که هست، در زمان حیات پیامبر اکرم(ص) شکل گرفته است. اما بیشتر تاریخ‌نویسان بر اساس روایات وارد شده در این باره، بر آنند که جمع و ترتیب سوره‌ها پس از وفات پیامبر اکرم(ص) به دست اصحاب ایشان صورت گرفت (معرفت، ۱۳۸۲ش، ص ۸۴). ایشان می‌نویسد: «قرآن مجید در عهد رسول خدا(ص) با همین کیفیت امروزی، جمع‌آوری و مرتب شده بود، به دلیل اینکه قرآن در آن زمان مورد درس و بحث قرار می‌گرفت و تمامی آن حفظ می‌شد، به گونه‌ای که عده‌ای معین شده بودند که قرآن را حفظ کنند و آن را به پیامبر عرضه بدارند و نزد آن حضرت تلاوت کنند و برخی نیز مانند: ابن مسعود و اَبی‌بن کعب و دیگران بودند که بارها قرآن را نزد پیامبر اسلام ختم نموده بودند. پس قرآن در عهد پیامبر خدا، به صورت مجموعه مرتب و منظم درآمده بود و آیات آن پراکنده و جدا از هم و پراکنده نبوده است.»

۲. طبری

طبری در مقدمه تفسیر مجمع البیان از توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها دفاع نموده و معتقد است که قرآن همان‌گونه که هم‌اکنون وجود دارد، در زمان رسول خدا(ص) جمع‌آوری و مدون گشته است، و بر این مطلب استدلال نموده که قرآن در زمان صحابه تدریس می‌شد و صحابه تمام قرآن را حفظ می‌نمودند، و تعدادی از صحابه برای انجام این امر از جانب پیامبر تعیین شده بودند تا قرآن را مکتوب کرده سپس آن را بر پیامبر تلاوت نمایند و ایشان تصدیق و یا در صورت خطا بودن تصحیح نمایند. (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۳)

ایشان بعد از ذکر ادله دیگر می‌نویسد هر کس کوچک‌ترین تأملی در این دلایل نماید به توقیفی بودن چینش قرآن پی می‌برد. او مخالفین توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها را تعدادی از امامیه و حشویه می‌داند که قول آنها قابل اعتنا نیست، یا تعدادی از اهل حدیث و اخباریانی که به احادیث ضعیفی تمسک جسته‌اند که آن احادیث قابل مراجعه برای اهل تحقیق نیستند (همان).

۳. آیت‌الله خوئی

آیت‌الله خوئی از سویی معتقد است قرآن همچنان که هست، در زمان حیات پیامبر(ص) شکل گرفته، زیرا جماعتی در عهد رسول‌الله(ص) حافظ آن بوده‌اند و بسیار بعید

است که پیغمبر اکرم (ص) مسأله‌ای با این اهمیت را به حال خود رها کرده باشد تا پس از وی نظم و ترتیب داده شود (خویی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۳۹-۲۵۹). از سوی دیگر ایشان در بحث جمع قرآن احادیثی را که دلالت دارند بر اینکه قرآن پس از پیامبر جمع شده است، رد می‌کند و در نهایت نتیجه می‌گیرد که قرآن در زمان رسول خدا جمع شده است. (همان)

بررسی

برخی دانشوران علوم قرآنی بر استدلال آیت‌الله خویی اشکال نموده و فرموده‌اند: «جریان جمع قرآن، یکی از حوادث تاریخی است، نه یک بحث عقلانی که قابل بحث و جدل باشد، پس باید به مدارک تاریخی مستند رجوع کرد، و مجال برای جولان فکر در این بحث‌ها نیست» (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۸۶)؛ ولی به نظر می‌رسد این اشکال بر آیت‌الله خویی وارد نیست، زیرا اگرچه مسأله جمع قرآن جریانی تاریخی است و نباید با دلیل عقلی محض آن را مورد نقادی قرار داد، اما می‌توان بسترهای تاریخی این جریان را مورد نقد قرار داد و با بررسی دلائل و شواهد عقلی و نقلی به نتیجه‌ای محققانه دست یافت، و اگر چنین نگاهی به بحث‌های تاریخی نداشته باشیم آنگاه باید بسیاری از حوادث تاریخی را آن‌گونه که مشهور شده‌اند تلقی به قبول کنیم، اگرچه دلایلی قطعی متعددی بر رد آن وجود داشته و با واقعیت فاصله داشته باشد. در این مسأله نیز آیت‌الله خویی به نقد بررسی و موشکافی سندی و متنی اسناد و روایات تاریخی پرداخته است، و پس از رد و تضعیف روایات مربوطه برای اثبات ادعای خویش به دلیل عقلی تمسک جسته است.

۴. سید محمدباقر حکیم

سید محمدباقر حکیم در ذیل عنوان «ثبوت النص القرآنی» در بحث جمع قرآن و ترتیب سوره‌های آن معتقد است که آراء و نظرات علمی، تقریباً بر یک نتیجه واحد اتفاق دارند و آن قطعیت تطابق میان نص قرآنی متداول در جهان اسلام، با مجموعه وحی قرآنی نازل شده بر رسول اعظم صلی الله علیه و آله به عنوان قرآن است (حکیم، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۰). ایشان نسبت به جمع قرآن، به معنای نگارش و تدوین آن، معتقدند که جمع و تدوین قرآن کریم در عصر رسول اعظم صلی الله علیه و آله انجام پذیرفته است؛ ولی تصریح می‌کند که نظر رایج در علوم قرآنی بر این است که جمع قرآن در عهد شیخین صورت گرفته است، و

در نهایت می گوید: «می توان میان این دو نظر حد مشترکی را در نظر گرفت و چنین گفت که اصل جمع قرآن در عصر رسول الله صلی الله علیه و آله انجام پذیرفت؛ اما جمع آن در مصحفی با اوراق منظم و مرتب در عهد شیخین صورت گرفت.» (همان، ص ۱۱۵).

۵. عبدالکریم بی آزار شیرازی

ایشان محققان بسیاری همچون شیخ صدوق، سید مرتضی علم الهدی، طبرسی، فتح الله کاشانی، آیت الله خوئی، بغوی، سیوطی، زرکانی، صبحی صالح، محمود شلتوت و غیرهم را هم عقیده با خود می داند و می گوید: «قرآن کریم در زمان رسول اکرم (ص) مرتب شده و به صورت کنونی تألیف یافته است و نه تنها ترتیب آیات بلکه ترتیب سوره ها نیز توقیفی است و دلایل بسیاری آن را تأیید می کند.» (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۶ق، ص ۳۹۷).

عبدالکریم بی آزار شیرازی دلائل قائلین به اجتهادی بودن سوره ها را مردود دانسته و در تأیید قول خود می نویسد: «دسته هایی از سوره ها مانند فاتحه الکتاب، سوره های مثنی، طواسین، حوامیم، الم و الرا در مجموعه هایی مشخص مرتب بوده اند، که لازمه آن وجود ارتباط و تناسب و هماهنگی میان آنهاست. به علاوه، همان طور که ارتباط و تناسب میان آیات هر سوره بهترین دلیل بر توقیفی بودن ترتیب آیات است، ارتباط و تناسب میان سوره ها به ترتیب موجود دلیلی است بر اینکه ترتیب همه یا بیشتر سوره ها نیز از طریق وحی و به دستور پیامبر اکرم (ص) بوده است.» (همان).

توقیفی بودن ترتیب سوره ها نزد اهل سنت

۱. زرکشی

زرکشی در ذیل عنوان «معرفة المناسبات بین الآيات» می نویسد: «وهكذا في السور يطلب وجه اتصالها بما قبلها و ما سبقت له قلت: و هو مبني على أن ترتيب السور توقيفي؛ و هو الراجح. (و همچنین است در سوره ها که اوائل هر سوره ای گویای ارتباط سیاقی با سوره قبل از خود است، و به نظر ما این قول مبتنی است بر توقیفی بودن ترتیب سوره ها است که همین توقیفی بودن ترتیب سوره ها رجحان دارد.)» (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۴). وی با این عبارت، توقیفی بودن ترتیب سوره ها را بر اجتهادی بودن آن ترجیح می دهد.

زرکشی در «البرهان» به هیچ‌یک از توقیفی بودن یا اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها یقین نداشته و با حالتی تردید آلود پس از محتمل دانستن اجتهادی بودن ترتیب آنها (همان، ص ۳۲۸)، از ملاک‌هایی که بر توقیفی بودن چینش سوره‌ها دلالت دارند، می‌گوید برای ترتیب موجود سوره‌ها در قرآن، معیارهایی وجود دارد که نشان‌دهنده توقیف در ترتیب آنها از سوی شخصی حکیم است: گاهی بر اساس حروف، پشت سر هم قرار گرفته‌اند، چنان‌که در «حوامیم» می‌بینیم و گاه بنا بر موافقت معنایی اول یک سوره با پایان سوره قبل، مانند آخر حمد و اول بقره و زمانی نیز به علت هماهنگی در وزن و ترنم، مانند آخر «تبت» و اول «اخلاص» و سرانجام گاهی بر اساس وجود شباهت کلی مطالب دو سوره پی‌درپی مانند «و الضحی» و «الم نشرح» ترتیب قرار گرفتن سوره‌ها در مصحف نکاتی دارد که می‌فهماند، آن توقیفی بوده و از شخصی حکیم سر زده است و اعتقاد به جابجایی سوره‌ها، نظم قرآن را تباه می‌سازد (همان، ص ۳۲۹).

بورسی

اولاً، همان‌طور که میان عدم تناسب چینش سوره‌ها و توقیفی بودن ترتیب آنها تلازمی نیست، میان تناسب سوره‌ها و توقیفی بودن ترتیب آنها نیز تلازمی وجود ندارد (صبحی، ۱۹۸۸م، ص ۱۵۱ و ۱۵۲)، از این‌رو شخصی مانند سیوطی عدم تناسب ترتیب سور مشابیه‌الصدر مانند مسبّحات را و دیگری مانند زرکشی بر خلاف او تناسب ترتیب سور مشابیه‌الصدر مانند حوامیم را دلیل بر توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها دانسته است.

ثانیاً، نوع تناسب‌هایی که زرکشی یاد کرده (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۲۹) در ترتیب‌های دیگر سوره‌ها نیز به چشم می‌خورد؛ از جمله تناسب پایان یک سوره با آغاز سوره بعدی که به نظر می‌رسد آغاز و پایان غالب سوره‌ها راجع به پیامبر اسلام (ص) و قوم آن حضرت است؛ از این‌رو مضامین آغاز و پایان غالب سوره‌ها از چهار جهت با یکدیگر تناسب و تشابه دارد: اول، از نظر حروف [مقطعه]؛ چنان‌که در حوامیم است؛ دوم، تناسب آغاز سوره با پایان سوره پیش از آن؛ چنان‌که پایان حمد و آغاز بقره از نظر معنا چنین است؛ سوم، وزن در لفظ؛ چنان‌که پایان تبت و آغاز اخلاص چنین است، چهارم، شباهت تمام سوره با تمام

سوره دیگر، چنان که در و الضحی و الم نشرح چنین است. بنابراین چنین استدلالی نمی تواند قابل پذیرش باشد.

۲. محمودین حمزه کرمانی

ایشان می نویسد: اول القرآن سورة الفاتحة ثم البقرة ثم آل عمران على هذا الترتيب إلى سورة الناس، وهكذا هو عند الله في اللوح المحفوظ. وهو على هذا الترتيب كان يعرض -عليه الصلاة والسلام- على جبريل -عليه السلام- كل سنة ما كان يجتمع عنده منه وعرضه -عليه الصلاة والسلام- عليه في السنة التي توفي فيها مرتين، وكان آخر الآيات نزولا [قوله تعالى]: «وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ» (بقره: ۲۸۱) فأمره جبريل أن يضعها بين آيتي الربا والذين (كرمانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۰۲).

ایشان در تأیید قول خود اینگونه استدلال می کند: «و ذهب جماعة من المفسرين إلى أن قوله [تعالى] في [سورة] هود: قُلْ فَاتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ معناه: مثل «البقرة» إلى سورة «هود» و هي العاشرة، و معلوم أن سورة هود مكية و أن البقرة و آل عمران و النساء و المائدة و الأنفال و التوبة: مدنيات نزلن بعدها. و فسر بعضهم قوله [تعالى]: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا: أي اقرأه على هذا الترتيب من غير تقديم و [لا] تأخير. و جاء النكير على من قرأه معكوسا (همان، ص ۱۰۴). و لو حلف إنسان أن يقرأ القرآن على الترتيب لم يلزمه إلا على هذا الترتيب. و لو نزل القرآن جملة واحدة كما اقترحوا عليه بقولهم: لَوْ لَا نَزَّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ جُمْلَةً وَاحِدَةً لنزل على هذا الترتيب. و إنما تفرقت سورة و آياته نزولا؛ لحاجة الناس [إليها] حالة بعد حالة [و مرة بعد أخرى] و لأن فيه الناسخ و المنسوخ و لم يكونا ليجمعوا نزولا. و أبلغ الحكم في تفرقه ما قاله سبحانه: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَفٍ وَ هَذَا أَصْلُ. تبنى عليه مسائل، و الله أعلم» (همان، ص ۱۰۵).

در این عبارات، کرمانی بر آن است که ترتیب سوره های قرآن در لوح محفوظ به همان ترتیبی است که هم اکنون در دسترس مسلمانان است و به همین صورت رسول خدا(ص) هر سال قسمتی از قرآن را که در آن سال بر او نازل شده بود با جبرئیل مقابله می نمود، در آخرین سالی که رسول خدا در قید حیات بودند، مطابق همین ترتیب موجود در قرآن، تمامی آیات را دو مرتبه بر جبرئیل عرضه داشته و مقابله کردند و آخرین آیه ای که بر پیامبر نازل شده است آیه «وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...» (بقره: ۲۸۱) است که جبرائیل اشاره کرد که آن را میان دو آیه ربا و دین قرار دهند.

کرمانی در جواب اینکه چرا قرآن از ابتدا به همین ترتیب فعلی نازل نشده می گوید

آیات قرآن با توجه به نیاز مردم و موقعیت‌های خاص نازل شده است، و در قرآن ناسخ و منسوخ است و... و بهترین دلیل برای اینکه آیات قرآن بایستی به صورت جداگدا نازل می‌شد را اصلی می‌داند که از آیه شریفه «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ» اخذ می‌شود.

۳. نیشابوری

نیشابوری در تفسیر خود به صراحت مسئله جمع‌آوری قرآن در زمان رسول خدا را مطرح نموده است، ایشان استدلال می‌آورند که آیه‌ای بر پیامبر (ص) نازل نشد مگر اینکه پیامبر (ص) به کاتبان وحی دستور می‌داد که آن آیه را در جای مشخص خود قرار دهند، همچنین سوره‌ای نازل نمی‌شد مگر اینکه به کاتب وحی دستور می‌دادند تا آن را در جای مخصوص خود و مثلاً در کنار فلان سوره قرار دهند. همچنان که ابن عباس این موضوع را مطرح نموده است که پیامبر (ص) بعد از نازل شدن هر سوره، کاتبان وحی را احضار کرده و از آنها می‌خواست که سوره مذکور را در محل خاص آن قرار دهند (فیض کاشانی، ۱۳۱۲ق، ص ۱۳۰). حتی نیشابوری معتقد به جمع و ترتیب قرآن در زمان رسول الله (ص) بوده است، اما در عین حال متذکر می‌شود که سوره‌های قرآن به این صورت منظم بین دفتین قرار نگرفته‌اند و به شکل مصحف در نیامدند، ایشان معتقدند که هر کس بر این باور باشد که ترتیب سوره‌های قرآن کار خلیفه سوم است، در واقع قرآن را از حجیت انداخته، و اعتقاد به تحریف قرآن دارد (همان). بنابراین فحوای سخنان نیشابوری و بسیاری از دانشوران علوم قرآنی آن است که آیات و سوره‌های قرآن در زمان رسول خدا (ص) جمع‌آوری و مرتب شده‌اند. طبق این مبنا می‌توان ترتیب سوره‌های قرآن را توقیفی دانست.

۴. صبحی صالح

صبحی صالح از محققان معاصر، به شدت طرفدار توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن کریم است و ادله و شواهد فراوانی در این زمینه آورده، اقوال مخالفین را رد، و یا توجیه نموده است (صبحی، ۱۹۷۲م، ص ۶۹-۷۴). ایشان می‌نویسد: «وقد أخرج الحاكم في «المستدرک» بسند علی شرط الشيخين عن زيد بن ثابت أنه قال: «كنا عند رسول الله صلى الله عليه وسلم نؤلف القرآن من الرقاع» و كلمة «الرقاع» في الحديث تشعرنا بنوع أدوات الكتابة

المتیسرة الكتاب الوحي على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم، فكانوا يكتبون الآيات في اللخاف والعصب والأكتاف والأقتاب وقطع الأديم أي (الجلد)، ومعنى تأليف القرآن من الرقاع (الوارد في حديث زيد) ترتيب السور والآيات وفق إشارة النبي صلى الله عليه وسلم وتوقيفه.» (همان، ص ۷۲)؛ سپس در ادامه می گوید: «و أما ترتيب السور فتوقيفي أيضاً، وقد علم في حياته صلى الله عليه وسلم، وهو يشمل السور القرآنية جميعاً، ولسنا نملك دليلاً على العكس، فلا مسوغ للرأي القائل إن ترتيب السور اجتهادي من الصحابة، ولا للرأي الآخر الذي يفصل: فمن السور ما كان ترتيبه اجتهادياً، ومنه ما كان توقيفياً.» (همان).

ایشان ترتیب سوره‌های قرآن را توقیفی می‌دانند، و قائل است که در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) به همین ترتیب مشخص و معلوم بوده است. و دلیلی بر اثبات غیر توقیفی بودن آن نداریم. بنابراین، نظریه بعضی از علمای اسلامی که می‌گویند: صحابه سوره‌های قرآن را بر مبنای اجتهاد خودشان مرتب کرده‌اند مبنایی ندارد (همان، ص ۶۹-۷۴). و از این روی «ترتیب توقیفی سوره‌ها لزوماً به این معنی نیست که میان هر سوره و سوره پس از آن رشته‌های پیوندی نزدیک وجود داشته باشد.» (همان، ص ۱۵۱ و ۱۵۲).

۵. طیبی

طیبی می‌نویسد: «قرآن اول یکجا از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل شد سپس چندین بار به طور پراکنده -به حسب مصالح- نازل گشت، و بعد به همان صورت که در لوح محفوظ نگارش و تنظیم شده بود در مصحف‌ها یادداشت گردید.» (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۱۴).

سیوطی در این زمینه می‌گوید: «احتمالاً این قول طیبی از سخن ابن عباس راجع به نزول قرآن نشأت گرفته، زیرا ابن عباس ابتدا از نزول تمامی قرآن در شب قدر سخن می‌گوید و بعد نزول بر آسمان، پیش از نزول بر پیامبر (ص) را بر آن می‌افزاید و سپس یک مرحله دیگر بر نزول می‌افزاید و آن ثبت در لوح محفوظ است.» (همان، ص ۱۵۷)؛ بنابراین ابن عباس سه مرحله برای نزول قرآن قائل شده است: ۱- نزول بر لوح محفوظ ۲- تنزل به بیت العزة یا بیت المعمور در آسمان این جهان و یا آسمان چهارم ۳- نزول بر دل پیامبر. این روایت را حاکم و طبرانی و ابن حجر و ابن کثیر و سیوطی و زرکشی و بیهقی و دیگران نقل کرده‌اند و اسنادش را صحیح دانسته‌اند.

۶. بیهقی

بیهقی در «المدخل» می‌نویسد: «قرآن در دوره زندگی پیامبر خدا(ص) بر همین ترتیب بوده چه آیات و چه سوره‌هایش» البته ایشان ترتیب سوره‌های برائت و انفال را به دلیل حدیث نقل شده از عثمان استثناء نموده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۳).

۷. ابوالحسن ابن الحصار

علی بن محمد خزر می‌معروف به ابن حصار (م ۶۱۱) نیز در باب ترتیب سوره‌ها قائل به توقیفی بودن است و می‌نویسد: «وضع آیات و ترتیب سوره‌ها به دستور وحی و امر پیامبر بوده است.» (ضاری، ۱۴۰۵ق، ص ۱۶۹).

قول سوم: قول به تفصیل (قول مختار)

برخی محققان قرآن پژوه راه میانه را اختیار کرده‌اند، زیرا از یک‌سوی روایات فراوانی داریم که اشاره به توقیفی بودن ترتیب برخی از سوره‌ها دارند تا جایی که محدوده آن را هم تعیین می‌کنند بنابراین نمی‌توان نسبت به آنها بی‌تفاوت بود و از سوی دیگر قرائن و شواهد فراوانی وجود دارد که قول به اجتهادی بودن ترتیب تمام سوره‌ها را مخدوش می‌سازد، از این رو قائل شده‌اند که اکثر سوره‌های قرآن، دارای ترتیب توقیفی است و تنها در برخی از سوره‌ها که محل اختلاف است، احتمال ترتیب به دست صحابه وجود دارد؛ از قائلان این نظریه می‌توان به بیهقی صاحب سنن (م ۴۵۸ق) (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۱۸)، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) (همان، ص ۲۱۹)، ابن عطیه (م ۵۴۲ق) (المحرر الوجیز، ج ۱، ص ۵)، سیوطی (م ۹۱۰ق) (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۱۸)، زرکشی (م ۷۹۵) در البرهان فی علوم القرآن (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳۵)، زرقانی در مناهل العرفان (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۷) و دکتر محمود رامیار در تاریخ قرآن (رامیار، بی‌تا، ص ۲۹۵) اشاره نمود. اما طرفداران دیدگاه تفصیلی درباره این‌که نظم کدام سوره‌ها توقیفی است و ترتیب کدام سوره‌ها بر اساس اجتهاد صحابه صورت پذیرفته است با یکدیگر اختلاف دارند.

قاضی ابومحمد بن عطیه (۴۸۱-۵۴۲ق، فقیه و مفسر اندلسی) آورده است: «نظم بسیاری از سوره‌ها مانند سوره‌های طوال، حوامیم و مفصل در عهد رسول خدا(ص) تعیین شده است و نظم و ترتیب سایر سوره‌ها احتمالاً به امت واگذار گردیده است.» (ابن عطیه، بی‌تا، ص ۶۶ /

زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۴). ابو جعفرین زبیر می نویسد: «به گواهی آثار و روایات، تعداد بیشتری از سوره‌های قرآن نسبت به آنچه ابن عطیه معتقد است، در عهد پیامبر گرامی اسلام تنظیم شده است و فقط در رابطه با تعداد محدودی از سوره‌ها ممکن است اختلاف نظر وجود داشته باشد. از روایاتی که این دیدگاه را تأیید می‌کند این سخن پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «إقرءوا الزهراوین؛ البقرة و آل عمران (بر شما باد خواندن زهراوین؛ [یعنی] بقره و آل عمران)» (قشیری، بی تا، ج ۱، ص ۸۰۴) و مانند حدیثی که ابن شیبیه در مصنف خود از سعید بن خالد روایت می‌کند که گفت: پیامبر (ص) سوره‌های هفتگانه طوال را در یک رکعت خواند (صنعانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۲)؛ همچنین در همین کتاب آمده است که پیامبر (ص) سوره‌های مفصل را در یک رکعت می‌خواندند (همان، ص ۳۱۳).

سیوطی می‌نویسد: «نظری که بیهقی برگزیده است بیشتر به دل می‌نشیند و آن این است که ترتیب همه سوره‌ها به استثنای برائت و انفال توقیفی است و شایسته نیست درباره چگونگی ترتیب سوره‌های قرآن، به ترتیب سوره‌ها در قرائت رسول خدا (ص) استدلال کرده گفته شود ترتیب سور چنین است. در نتیجه حدیث قرائت سوره نساء قبل از آل عمران از سوی پیامبر دلیل واردی نیست. زیرا رعایت ترتیب سور در قرائت واجب نیست شاید آن حضرت به منظور بیان جواز این عمل چنین کرده است.» (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۷۸).

نتیجه

بررسی و تحلیل تحقیقات دانشوران و مفسران علوم قرآنی در رابطه با تناسب سور و مسئله توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن، راهگشای بسیاری از گره‌های تفسیری بوده و ارتباط تنگاتنگ محتوایی بسیاری از سوره‌هایی که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند نشان از پیوند معنایی میان آنهاست که در این نوشتار به مواردی از آنها اشاره شد. همچنین به ارتباط ابتدای برخی سوره‌ها با پایان سوره قبل از خود اشاره گردید که روشن شدن این مباحث و در نظر گرفتن آنها در فرایند فهم و تفسیر آیات قرآن کمک شایانی می‌نماید. در این مقاله با نقل اقوال قدما و متأخرین و معاصران و جستجوی آراء آنها راجع به این موضوع، به دنبال آن بودیم که ضعف دیدگاه قائلان اجتهادی بودن ترتیب همه سور روشن شود؛ علاوه بر این، با تقویت قول به توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن، گرچه به صورت موجه جزئی، برخی از گره‌های تفسیری قرآن گشوده شده و راه برای مفسران و قرآن‌پژوهانی که به دنبال استفاده از سیاق بین سوره‌ها هستند هموار گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن حنبل، احمد؛ مسند الامام احمد بن حنبل؛ بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۲۰ق.
- ابن عطية؛ المحرر الوجيز؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
- ابی داود، سلیمان ابن الأشعث؛ سنن ابی داود؛ بیروت: دارالفکر، بی تا.
- بقاعی، برهان الدین ابی الحسن؛ نظم الدرر فی تناسب الايات و السور؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم؛ تفسیر کاشف؛ محمد باقر حجتی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ش.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم؛ قرآن ناطق؛ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش.
- حکیم، سید محمدباقر؛ علوم القرآن؛ سوم، قم: مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- خویی، ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ پنجم، بیروت: دار الزهراء، ۱۴۰۵ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ اول، بیروت: دار القلم، بی تا.
- رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن؛ دوم، تهران: امیر کبیر، بی تا.
- زرزور، عدنان محمد؛ الحاکم الجسمی و منهجه فی التفسیر؛ بیروت: مؤسسه الرساله، بی تا.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ مناهل العرفان؛ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
- زركشى، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ چاپ اول، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن؛ ترتیب سور القرآن؛ بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۰م.
- سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م.
- سیوطی، جلال الدین؛ تناسق الدرر فی تناسب السور؛ عبدالقادر احمد عطا؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ق.
- شریعتی، محمد تقی؛ تفسیر نوین؛ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۶ش.
- صبحی، صالح؛ مباحث فی علوم القرآن؛ قم: انتشارات الشریف الرضی، ۱۳۶۸ش.
- صبحی، صالح؛ مباحث فی علوم القرآن؛ چاپ هفتم، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۸م.
- صبحی، صالح؛ مباحث فی علوم القرآن؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۲م.
- صنعانی، ابی بکر عبدالرزاق؛ المصنف؛ تحقیق ایمن نصرالدین الازهری؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
- ضاری، سلیمان حارث، الإمام الزهري وأثره في السنة «دكتوراه»؛ موصل: مکتبه بسام، ۱۴۰۵ق.
- طباطبای، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بی جا: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
- طباطبای، سید محمد حسین؛ الاعجاز و التحدي في القرآن الكريم؛ قاسم الهاشمی؛ چاپ اول، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۲م.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- عبدالسلام، عزالدین؛ درر الفوائد فی مشکل القرآن؛ کویت: وزارت اوقاف، بی تا.

- عسکری، سید مرتضی؛ القرآن الکریم و روایات المدرستین؛ چاپ دوم، تهران: مجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۶م / ۱۳۸۶ش.
- علی الصغیر، محمدحسین؛ تاریخ القرآن؛ اول، بیروت: دار المؤرخ العربی، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.
- فیض کاشانی، محسن؛ علم الیقین؛ تهران: حکمت، ۱۳۷۹ش.
- فیض کاشانی، محسن؛ علم الیقین؛ تهران: بی نا، ۱۳۱۲ق.
- قدوری الحمد، غانم؛ محاضرات فی علوم القرآن؛ اول، عمان: دار عمار، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۳م.
- قشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج؛ صحیح مسلم؛ شرح نووی، یحیی بن شرف؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- کرمانی، محمودبن حمزة؛ البرهان فی متشابه القرآن؛ دوم، بی جا: دار الوفاء، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م.
- کورانی العاملی، علی؛ تدوین القرآن؛ بی جا: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق.
- مرتضی عاملی، سید جعفر؛ حقائق هامة حول القرآن الکریم؛ لبنان: دارالصفوة، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م.
- معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ دوم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- معرفت، محمدهادی؛ تاریخ قرآن؛ پنجم، تهران: سمت، ۱۳۸۲ش.
- معرفت، محمدهادی؛ علوم قرآنی؛ چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تمهید، ۱۳۷۸ش.
- مؤلف گننام و ابن عطیه؛ مقدمتان فی علوم القرآن؛ تصحیح آرتور جفری؛ قاهره: بی نا، ۱۹۵۴م.
- نوری، میرزا حسین؛ فصل الخطاب؛ تهران: چاپ سنگی، ۱۲۹۸ق.
- نهاوندی، محمد بن عبدالرحیم؛ نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن؛ قم: موسسه البعثه، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۸۴ش.

References

- The Noble Qur'an.*
- Subhi, Salih (1998). *Mabahith fi Ulum al-Qur'an*. 7th ed. Beirut: Dar al-Elm lil-Mullaiin.
- Tabataba'ii, Seyed Muhammad Hussein (1417). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. N.P: Lel-Matbu'at.
- Abd al-Salam, Ezz al-Din (N.D). *Durr al-Fawa'id fi Mushkil al-Qur'an*. Kuwait: Uwqaf.
- Abi Dawoud, Sulayman ibn al-Ash'ath (N.D). *Sunan Abi Dawoud*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ali al-Saghir, Muhammad Hussain (1420). *Tarikh al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Mu'arikh al-Arabi.
- Askari, Seyed Murtiza (1386). *Al-Qur'an al-Karim va Rawayat al-Mudarrisatayn*. 2nd ed. Tehran: Al-Elmi al-Islami.
- Baq'a'i, Burhan al-Din Abi al-Hasan (1415). *Nazm al-Durur fi tanasub al-Ayat va al-Suvar*. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiah.
- Biazar Shirazi, Abdolkarim (1366). *Tafsir Kashif*. Muhammad Baqir Hujjati (Ed.) Tehran: Islamic Culture Publication.
- Feyz Kashani, Muhsin (1312). *Elm al-Yaqin*. Tehran: Anonymous.
- Feyz Kashani, Muhsin (1379). *Elm al-Yaqin*. Tehran: Hikmat.

- Hakim, Seyed Muhammad Baqir (1417). *Ulum al-Qur'an*. 3rd Edition, Qom: Majma' al-Fikr al-Islami.
- Ibn Atia, Abd al-Ghalib ibn Haq (N.D). *Al-Muharrar al-Wajiz*. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiah.
- Ibn Atiah & Anonymous Author (1954). *Muqaddamatan fi Ulum al-Qur'an*. Arthur Jefri (Ed.) Cairo: Anonymous.
- Ibn Hanbal, Ahmad (1420). *Musnad al-Imam Ahmad bin Hanbal*. Beirut: Al-Risalah.
- Kermani, Mahmoud ibn Hamzih (1418). *Al-Burhan fi Mutashabih al-Qur'an*. 2nd ed. N.P: Dar al-Wafa'.
- Khuui, Abolqasim (1405). *Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. 5th ed. Beirut: Dar al-Zahra'.
- Ma'rifat, Muhammad Hadi (1374). *Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an*. 2nd ed. Qom: Nashr-i Islami.
- Ma'rifat, Muhammad Hadi (1378). *Tarikh-i Qur'an*. 5th ed. Tehran: Samt.
- Ma'rifat, Muhammad Hadi (1378). *Ulum Qur'ani*. 1st ed. Qom: al-Tamhid.
- Murtaza Amili, Seyed Ja'far (1413). *Haqa'iq Hammah Hawl al-Qur'an al-Karim*. Lebanon: Dar al-Safwah.
- Nahavandi, Muhammad ibn Abd al-Rahim (1384). *Nafahat al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Al-Bi'thah.
- Qaduri al-Hamd Ghanim (1423). *Muhazirat fi Ulum al-Qur'an*. 1st ed. Oman: Dar Ammar.
- Qashiri, Abulhussein Muslim ibn al-Hujaj (N.D). *Sahih Muslim*. Yahya ibn Sharf (Ed.) Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Raghib Isfahani, Hussein ibn Muhammad (N.D). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. 1st ed. Beirut: Dar al-Qalam.
- Ramyar, Mahmoud (N.D). *Tarikh-i Qur'an*. 2nd ed. Tehran: Amir Kabir.
- San'ani, Abi Bakr Abdulrazzaq (1421). *Al-Musnaf*. Researched by Iman Nasr al-Din al-Azhari Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiah.
- Shari'ati, Muhammad Taqi (1346). *Tafsir Nuwin*. 1st ed. Tehran: Intishar.
- Subhi, Salih (1368). *Mabahith fi Ulum al-Qur'an*. Qom: Al-Sharif al-Razi.
- Subhi, Salih (1972). *Mabahith fi Ulum al-Qur'an*. Dar al-Elm lil-Mullaiin.
- Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman (1406). *Tanasuq al-Durur fi Tanasub al-Suwar*. Abdulqadir Ahmad Ata, Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiah.
- Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman (1421). *Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an*. 2nd ed. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman (2000). *Tartib Suwar al-Qur'an*. Beirut: Al-Hilal.
- Tabarsi, Fazl ibn al-Hasan (1415). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Lel-Matbu'at.
- Tabatabaai, Seyed Muhammad Hussein (1423). *Al-I'jaz val-Tahdi fi al-Qur'an al-Karim*. Qasim al-Hashimi (Ed.) 1st ed., Beirut: Lel-Matbu'at.
- Zari, Sulayman Harith (1405). *Al-Imam al-Azahri va Atharah fi al-Sunnah*. Mussel: Basam.
- Zarkeshi, Muhammad ibn Abdullah (1410). *Al-Burhan fi Ulum al-Qur'an*. 1st ed. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Zarqani, Muhammad Abdalazim (N.D). *Manahil al-Irfan*. 1st ed., Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiah.
- Zarzur, Adnan Muhammad (N.D). *Al-Hakim al-Jashmi va Munhajah fi al-Tafsir*. Beirut: Al-Risalah.